

نظر هنرمندان درباره هشدار اخیر رهبری به مسئولان عرصه فرهنگ

ولنگاری فرهنگی و مدیرانی که باید از خواب بیدار شوند!

مهدی امیدوی

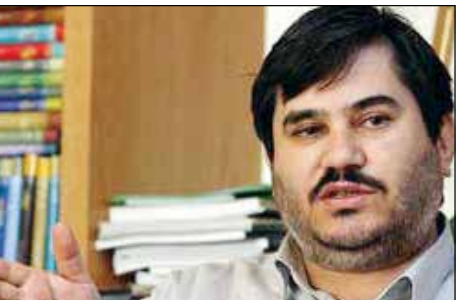
باشند! متأسفانه این نگاه غلط ریشه‌دار از دولتی به دولت دیگر به ارث می‌رسد و قدرت حرکت فعال را از مسئولان سلب می‌کند. این نگاه، راهبران حوزه فرهنگ را به افرادی تبدیل می‌کند که منفعلانه شاهد رخداد‌های خوب و بد این حوزه هستند و نقشی در شکل‌گیری آنها ندارند! برای جوانان انقلابی، تلاش مسئولان برای حفظ بی‌طرفی در منازعات فرهنگی که یک سسوی آن جریان نفوذی غربگرا و طرف مقابل، نیروهای ارزشی مدافع انقلاب هستند، باورپذیر نیست!



از هنرمندان متعدد بود. اما سخن اخیر ایشان در دیدار نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۶ خرداد، بیش از گذشته، توأم با هشدار بود، به ویژه این بخش که فرمودند: «در موضوع فرهنگ نوعی ولنگاری و بی‌اهتمامی در دستگاه‌های فرهنگی به چشم می‌خورد؛ زیرا در تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر، کوتاهی‌هایی انجام می‌شود.»



«ولنگاری فرهنگی» یکی از عواقب «نگاه به غرب» در ترسیم و تولید محصولات فرهنگی است. این وضعیت، بیش از هر چیز در تولیدات سینمایی، تئاتر و گاهی نیز ادبیات دیده می‌شود. این عبارت پس از طرح از سوی امام‌خامنه‌ای به کلیدواژه منتقدان و کارشناسان فرهنگی تبدیل شده است؛ اما بی‌تردید مخاطب اصلی این گفتارها، مسئولان فرهنگی هستند؛ از رئیس‌جمهور در مقام رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزیر ارشاد، معاونان و مدیران زیرمجموعه‌های وزارتخانه گرفته تا اعضای کمیسیون



پرویز شیخ‌طیادی، کارگردان فیلم‌های «شکارچی شبیه» و «روزهای زندگی» هم درباره راه‌های مقابله با ولنگاری فرهنگی گفت: «یکی از راه‌های برون‌رفت از «ولنگاری فرهنگی» مدنظر رهبری، وحدت و هماهنگی بیشتر دستگاه‌های فرهنگی و سینمایی کشور در حمایت از تولیدات سالم و بی‌حاشیه حوزه سینماست.»

علیرضا مختارپور، دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی هم در گفت‌وگویی تصریح کرد: «استنباطی که از سخنان رهبر انقلاب می‌شد، این بود که تمام مقامات مذکور درباره کالاهای فرهنگی و تغذیه جامعه با این کالاها مسئول هستند. این دیدگاه، در تقابل با دیدگاهی قرار دارد که دولت‌ها فقط باید شرایط را برای هنرمندان و فرهنگیان فراهم کنند و آنها هم دست به تولید بزنند و در مرحله بعد هم مردم به عنوان مخاطب از اثر آنها استقبال بکنند یا خیر. رهبر معظم انقلاب معتقدند مسئولان، در زمینه فرهنگ جامعه مسئولیت دارند.»

وی گفت: «پس ما هم در تولید و هم در توزیع فرهنگی در کشور دچار ولنگاری هستیم؛ اما این وضعیت ناشی از چیست؟ به نظر من ناشی از این است که دستگاه‌های دخیل، حساسیت لازم را ندارند. در بعضی مواقع، به دلیل تشخیص نادرست بوده و در برخی مقاطع هم به دلیل ترس از هیاهوی بیگانگان و رسانه‌های بیرونی که ممکن است موضوعاتی چون آزادی بیان را دستمایه گزارش‌های خود قرار دهند.»

اشاره دارد. ازجمله، هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان سینما در این‌باره معتقد است: «رهبر معظم انقلاب همواره نسبت به اهمیت موضوع فرهنگ، به مردم و مسئولان تذکر می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد که بیان اخیر ایشان درباره ولنگاری فرهنگی از مرحله تذکر گذشته و به هشدار نسبت به شرایط بحرانی در حوزه مدیریت فرهنگی تبدیل شده است. دلیل این مسئله هم این است که مدیریت فرهنگی در کشور ما توجه خود را از نیازها و چالش‌هایی که در جامعه اتفاق می‌افتد جدا کرده و معیارهای غربی را معیار خود قرار داده است. این مسئله، بزرگ‌ترین تهدید در عرصه فرهنگ و هنر است.»

محسن پرویز، نویسنده و سخنگوی انجمن قلم هم در یادداشتی درباره بیانات رهبر فرزانه انقلاب پیرامون مسئله فرهنگ، نوشت: «اشاره ایشان به بحث ولنگاری و بی‌اهتمامی فرهنگی، زیر سؤال بردن نگاه غلط آن دسته از دست‌اندرکاران امور است که در گذشته و حال، بی‌قیدی و سهل‌انگاری در مدیریت فرهنگی، رویه منتخب آنها بوده است. برخی مسئولان فرهنگی دولت‌های گذشته، خود را پدران پولداری می‌پنداشتند که اوج هنرشان توزیع یکسان پول بین فرزندان (خلف و ناخلف) و حمایت از هر فعالیتی است که عنوان فرهنگی داشته باشد. ایشان در بهترین حالت، خود را ناظران بی‌طرفی می‌دانستند که باید شاهد چگونگی هزینه‌کرد توسط دریافت‌کنندگان پول‌ها

فرهنگی مجلس و همچنین مدیران صداوسیما. طی سال‌های اخیر بارها رهبر معظم انقلاب اسلامی مسئله فرهنگ را مطرح کرده‌اند؛ اما نکته قابل تأمل این است که با مرور بیانات رهبری درباره موضوع فرهنگ، می‌توان دریافت که لحن و بیان معظم‌له، هر بار انتقادآمیزتر و هشدارآمیزتر از

پیش می‌شود. برای نمونه، ایشان در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۹۲، فرمودند: «متأسفانه در بعضی از حرف‌های آدم‌هایی که مسئولیتی هم ندارند در دستگاه‌ها و مانند اینها، بعضی غیرمسئولانه گاهی حرف می‌زنند؛ نگاه می‌کنند به ادعاهایی که در کشورهای غربی هست در مورد آزادی‌های فرهنگی و فلان؛ در حالی که این‌جوری نیست. غربی‌ها اصرارشان و مقاومت‌شان بر روی ارزش‌های فرهنگی خودشان از ما کمتر نیست و بیشتر هم هست.» چندی بعد و در اول فروردین ۹۳ معظم‌له در حرم امام رضاع) فرمودند: «منی خواهیم بگوییم همه آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است، خودمان هم مقصریم. مسئولان فرهنگی و غیر فرهنگی و کم‌کاری‌ها و غلط‌کاری‌ها همه تأثیر داشته.» اما سال ۹۴ تأکیدهای رهبری بر مسئله فرهنگ، فزونی یافت. از جمله اینکه در این سال، مسئله نفوذ فرهنگی از سوی معظم‌له مطرح شد. همچنین در سخنرانی تاریخ ۱۹/۲/۹۴ فرمودند که جنگ فرهنگی، مهم‌ترین صحنه رویارویی با دشمن است، یکی از فرازهای بیانات آغاز سال ۹۵ ایشان تأکید بر حمایت

نگاهی به فیلم «بارکد» بازگشت به عقب!

حسین کارگر

«بارکد» پنجمین فیلم کارنامه مصطفی کیایی پس از «بعدازظهر سگی سگی»، «ضد گلوله»، «خط ویژه» و «عصر یخبندان» است که به نظر می‌رسد در مقایسه با سه فیلم اخیر، نوعی بازگشت به عقب به شمار می‌آید؛ این پرسفت هم در ساختار و هم در محتوا محسوس است.

باز هم مانند فیلم‌های پیشین این کارگردان، قصه فیلم «بارکد» از آخر شروع می‌شود و ماجراها در قالب روایت غیرمستقیم و متقاطع تعریف می‌شوند. غافل از اینکه روایت متقاطع، باید کارکرد و مفهوم خاصی داشته باشد؛ اما در این فیلم تنها به منظور متفاوت‌نمایی و پر کردن خلا داستان از این سبک و سیاق استفاده شده است.

گفتنی است، فیلمساز یا فیلمنامه‌نویس وقتی می‌تواند شیوه روایت متقاطع را به کار گیرد که ابتدا داستان مشخص و معینی داشته باشد. این در حالی است که فیلم «بارکد» داستان به معنای واقعی کلمه ندارد؛ یک پسر جوان وارد شرکتی می‌شود و حوادثی را که از سر گذرانده، برای رئیس شرکت تعریف می‌کند. اینکه این جوان، چرا و چگونه وارد شرکتی می‌شود که با زدن چند دکمه صفحه کلید رایانه، مبالغه‌هنگفتی از سرمایه‌ها را جابه‌جا می‌کند، برای بیننده نامعلوم است. این جوان، کل داستان زندگی‌اش را برای رئیس تعریف می‌کند تا در نهایت به او بفهماند فرزند همان مردی است که فریبش داده و پول‌هایش را بالا کشیده است! این موضوع هم که چرا این همه داستان‌بافی کرده است و از اول سر اصل مطلب نرفته، مبهم است.

فیلمنامه‌اثر، پر از حفره است؛ هیچ منطقی در آن وجود ندارد و مشخص نیست دختر معنادی که یکی از شخصیت‌های فیلم با او در پارک آشنا می‌شود، چگونه منشی شرکت کلابردار از آب در می‌آید؟ در سکانس پایانی فیلم می‌بینیم که چند پلیس، ماشینی مرد کلابردار را بازرسی می‌کنند، اما یادشان می‌رود صندوق عقب آن را بگردند و رئیس‌شان می‌رود و جور آنها را می‌کشد! اوج ابله‌انگاری فیلم جایی است که یکی از شخصیت‌های فیلم، بدون هیچ شابهت ظاهری و تنها با جعل برگه مأموریت فرد دیگری خودش را مسئول دفتر حج و زیارت یک دانشگاه جا می‌زند!

حرف‌های فیلم درباره دزدی و ثروت‌های بادآورده و فساد اقتصادی، مواد مخدر و... همه در حد شعار باقی می‌مانند. در تمام طول فیلم، همه آدم‌ها به دو شخصیت اصلی فیلم، دائم تأکید می‌کنند که شبیه به احق‌ها هستند. متأسفانه، فیلم «بارکد» هم در تمام مدت نمایش، همین تصور را نسبت به مخاطب القا می‌کند!

کوتول و «هریم وفایی» از زرین‌شهر بر این امر مهم تأکید کرده‌اند.

جهاد تبیین و روشنگری

«مطهره عربیان» از کردستان، «محمدرضا صادق پور» از اراک، «ریحانه عباسی» از نقده، «کتکم یعقوب‌زاده» از بیرجند و «عبدالعلی سیلانه» از بجنورد، «حرکت جهادی» برای تبیین این موضوع و روشنگری درباره آن را بیان کرده‌اند.

وحدت

وحدت کلیدواژه «علی امیدی» از قم و «ابراهیمی» از ارسنجان است.

مقاومت

مقاومت در «پیام قیادی» از قزوین، «رضوان محمد» از نماشیر، «علی آزع» از چابهار، «مهدی امیری سردهلقی» از صحنه و «طاهره رضوانی» از بم، مشاهده می‌شود.

اطاعت نکردن از دشمن

«امیرحسین اکبری» از مبارکه بر اساس آیات سوره فرقان «عدم اطاعت از دشمن» را بیان کرده و «مهرداد دهقانی» از قوه‌بلاغ هم نظری مشابه دارد.

ایمان و توکل به خدا

«هادی رضائزاد» از آذرشهر، «کواری» از ارسنجان، «تقی معین» و «علی بلوچ اربابی» از زرنند و «جواد شمس‌الدینی» از سیرجان هم بر ایمان و توکل بر خدا در این مسیر تأکید داشته‌اند.

سایر نظرات

«عمل به فرامین قرآن» را «حسن محمدی» از بوبین‌زهره و «مسلم نوری» از دماوند بیان کرده‌اند.

«توجه به نصرت الهی» توسط «محمدحسین خداویسی» از صحنه و «محمد خضری‌پور» از بندرعباس، «تقویت ایمان» توسط «فرخ عزیزی» از زنجان، «مبارزه با استکبار درون» توسط «سیدمحمدرضا موسوی» از سمیرم و «حساسیت در برابر دشمن» توسط «محمدمهدی خداویسی» از صحنه مطرح شده است.

«بالا بردن معنویت بر مبنای سیره معصومین، امام و شهدا» را «ابراهیم چمنگرد» از کیششهر، «تمسک به قرآن» را «ابراهیم نادری» از یاسوج، «اعتقاد به وعده خداوند» را «علیمراد غلامی» از ایلام و «شناخت ابعاد جنگ نرم برای مقابله درست» را «ابراهیم ترکمند» از بوبین‌زهره مطرح کرده‌اند.

دیگر هم‌راهان

«خبرالنساء قربانی» از املش، «محسن قاسمی» از نهاوند، «مسلم جعفری» از ترکالکی، «علی زاهد» از بیرجند، «مرتضی تقوی‌نژاد» از دزفول، «حیدرزاده» و «بختیاری» از ارومیه، «موسی شکاری» از تبریز، «مجید سیفی» از دولت‌آباد مرند، «مسلم محمودی» از سپیدان، «حامد جعفری» از اهرم تنگستان و «علیرضا رهدار» از زاهدان هم با نظراتشان در این شماره با ما همراه بودند.

برندگان تریبون پنجم
پروست تریبون ششم

روح‌الله احمدی از قم / حمید پاکزاد از قوچان / منیره درستیان از صحنه
پیشنهاد شما برای رواج جلسات تلاوت قرآن چیست؟

نوقلمان

نور حیدری در چشم‌مانم موج بزند. به خودم می‌آیم، ولی نیستی! کجایی که هر جمعه مرا به خودم می‌آوری...

کجایی که رؤیای جهان همراه با عدالت و بدون ظلم به واقعیت بیبوندند و بفهمیم که زندگی با مهدی فاطمه چقدر شیرین است.

ای شیرین‌ترین رؤیا کجایی؟ آن‌گاه که نام و یاد تو وجودم را پر می‌کند، هر چه می‌نگرم شما را نمی‌بینم؛ اما آن‌قدر به انتظار می‌نشینم که نسیم ولایت و زیندین بگیرد. آن‌قدر می‌نگرم که چهره دلربای شما را پشت پنجره ببینم. می‌نگرم به امید دیدن شما ای صاحب‌الزمان (عج).

آقا جان! کجایی؟
هانیه پریشان ۱۱ ساله از تهران

شیرین‌ترین رؤیا

آقا جان! گدایت آمده تا با تو درد دل کند و از سختی زندگی بدون شما بگوید.

آقا جان! کی می‌رسد که از پنجره اتاقم بیرون را بنگرم و نور دیده تو دیدگام را روشن کند؟ کی می‌رسد نسیم ولایت و عدالت در وجودم حلقه بزند؟

آقا جان! سختی بدون شما مرا از زندگی کردن بازمی‌دارد. وقتی که قلم در دست می‌گیرم تا برایت بنویسم، نمی‌دانم نوشته‌ام را باید به کجا بفرستم؟

ای غائب! هر جمعه به یاد شما برمی‌خیزم. پنجره اتاقم را باز می‌کنم تا

طرح: عیاشی گودرزی

تلخند



کتیبه سبز

پاسدار نور

امروز من بُودِ فردای کودکم
مولای من سلام، سربازِ کوچکم
میدانِ مینِ زمین، در حصرم و تکم
دنیا پر از بلا، دشمن ته‌اجمی
با ذکر «یا علی» مشغول پاتکم
هر سو که بنگرم دشمن رسیده است
می‌خواهد این زبون، «سَنَنْتُ مَنْ أَلِ چَکَم»
غافل از اینکه من، یک قطره خونم و
زیر درخت عشق، با شوق می‌چکم
والی ولایت و من پاسدار او

زیباست زندگی، ما را ملال نیست
از نور می‌خورم، از عشق می‌مکم
علی باقری و کیل آباد از استان اردبیل

۱- سَنَنْتُ مَنْ أَلِ چَکَم جمله‌ای ترکی به معنای
«دست از تو بکنم» است



خبرها

بازسازی صحنه‌های عظیم جنگی در نمایش «فصل وصل»

نمایش «فصل وصل» با موضوع دفاع مقدس و در قالب چند رسانه‌ای به طور رایگان هر شب پس از افطار در باغ موزه دفاع مقدس اجرا می‌شود. در نشست خبری نمایش «فصل وصل» علیرضا کوهفر، مدیر مرکز رسانه‌های مهنا گفت: یکی از تجربیات ما اجرای نمایش‌های بزرگ چند رسانه‌ای است. آثاری عظیم که به واسطه تلفیق تصویر با جلوه‌های ویژه میدانی و مختصات نمایشی ساخته می‌شوند. در دو سال اخیر نمایش «فصل شیدایی» توانست در یک سانس نمایشی رکورد ۱۵،۱۴ هزار مخاطب را ثبت کند. نمایش «فصل وصل» هم به همین سبک، از سوم خرداد روی صحنه رفته است. ما سعی کردیم تغییراتی در کار ایجاد کنیم و فضای آن را معنوی‌تر ببینیم.

توهین ضد انقلاب به شهاب حسینی!

پس از اینکه شهاب حسینی، جایزه بهترین بازیگر شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن خود را به آستان مقدس امام زمان (عج) تقدیم کرد، گروهی از شبه‌روشنفکرها و افراد ضد انقلاب، فضای مجازی را پر از توهین و فحاشی علیه این بازیگر کردند! این افراد که البته عادت دارند به هر هنرمندی که به ارزش‌های مذهبی و انقلابی ابراز تمایل می‌کند، فحاشی کنند، این بار هم در پایگاه‌ها و شبکه‌های مختلف اینترنتی، شهاب حسینی را به دلیل تقدیم جایزه‌اش به امام دوازدهم شیعیان، با انواع اهانت‌ها نواختند! این جریان در سال ۸۹ و پس از حضور حسینی در دیدار هنرمندان سینما و تلویزیون با رهبر انقلاب اسلامی نیز کمین «من از شهاب حسینی منتفرم» را در فضای مجازی راه انداخته بودند. شهاب حسینی هم در واکنش به این اقدامات تخریب‌آمیز در گفت‌وگویی اظهار داشت: نه تأیید این افراد من را خوشحال و نه تکذیب‌شان من را ناراحت می‌کند.

سرانجام نمایش فیلم مبتدل متوقف شد!

پس از سه ماه اعتراض و انتقاد کارشناسان و دانشجویان و مردم، سرانجام وزارت ارشاد به نمایش فیلم سخیف «۵۰ کیلو آلبالو» خاتمه داد! علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز ۲۳ اردیبهشت در دیدار با آیت‌الله مکارم شیرازی گفته بود: فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» به هیچ عنوان مناسب نبود و اگر از چگونگی این فیلم اطلاع داشتیم، اجازه ساخت و اکران به آن نمی‌دادم. این سخن وزیر ارشاد در حالی بود که معاون سینمایی او، حجت‌الله ایوبی در گفت‌وگویی به تمسخر دانشجویان معترض به اکران این فیلم پرداخته بود.

حسن ختام

سودای مهدی

گفت «الله مع الصابرين»

گفتم به جان می‌خرم تا به سلامت بازآید

گفت جانکاه است و طاقت‌فرسا

گفتم چون برای اوست شیرین است

گفت برای دیدنش سفر باید؛ سفر از تن به جان

گفتم از همین دم مسافرم...

گفت لب‌ت؟

گفتم می‌بندم جز به نام او

گفت چشم‌هایت؟

گفتم می‌شویم به شوق دیدار روی او

گفت دلت؟

گفتم بیرون می‌کنم هر چه غیر او

گفت ذکرت؟

گفتم دم به دم با ابوالصالح المهدی (عج)

همو که امید همه بی‌پناهان عالم است

گفت پاهایت؟

گفتم آماده است در رکابش

گفت دست‌هایت؟

گفتم ربتاگویان به امید ظهورش

سری به رضایت تکان داد و گفت:

سودای مهدی‌ات مبارک

و اشارتی کرد به صف منتظران حقیقی‌اش

و تحیت‌گویان به آن فراخواندم

